

ابن سینا و نوآوری ادبی در نثر

دکتر علی باقر طاهری نیا*

عضو هیات علمی گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه بوعلی سینا

چکیده:

ابن سینا فیلسوف و دانشمند نامور مشرق زمین در عرصه علوم مختلف مهارت و توان علمی خود را تجربه نموده است. او در زمینه طب و فنون مختلف آن، فلسفه، منطق، ریاضیات و موسیقی و سایر فروع علمی با خلق آثار ماندگار نام خود را در زمره صاحب نظران هر یک از آن فروع و بلکه سرمداران آن ثبت نموده است. در این میان دیدگاهها و آثار ادبی آن فیلسوف ادیب کمتر مورد مذاقه قرار گرفته است. و این در حالیست که وی در عرصه نثر به خلق تمثیلهائی پرداخته که نگارش آنها منبع الهام بسیاری از نویسندگان بزرگ دنیا شده است.

ابن سینا ادبیات را نه صرفاً برای ادبیات، که قالبی مناسب برای ترسیم و تصویر دیدگاههای علمی خود دانسته است. او از طریق قالب داستانی حی بن یقظان ضمن شرح و بسط دیدگاه فلسفی خاص خود به خلق اثری بدیع پرداخته است که این اثر جمع بین تخیل، عرفان، فلسفه، تمثیل و قصه است.

و ترکیب این پنج عنصر و تجمیع آنها در یک اثر به نام حی بن یقظان گواهی صادق بر نوآوری ادبی ابن سیناست.

*همدان - دانشگاه بوعلی سینا دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه زبان و ادبیات عرب

مقدمه :

ابوعلی سینا (حسن) بن عبدالله بن سینا (که اروپائیان او را به نام Avicenna می شناسند) در صفر سال ۳۷۰ هـ - ۹۸۰ م در افشنه نزدیک بخارا متولد شد.^۱ تعدد القاب این نادره دوران گواه صادقی است بر غنای شخصیت آن انسان بزرگ که در عرصه جولان در علوم مختلف میدان دار بوده است. و این بدان معناست که او نه تنها مرد علم بوده که در عرصه سیاست و وزارت از کیاست و تدبیر خاصی برخوردار بوده است. احمد فواد می گوید: شیخ الرئیس نشان از اشتغال ابن سینا به علم و حکمت از یکسو و سیاست و وزارت از دیگر سو دارد و بدین ترتیب او مصداق حاکم فیلسوف مورد نظر افلاطون است.^۲

علوم ابن سینا در سه زمینه قابل تقسیم است: نخست فلسفه، دوم طب، و سوم ادبیات. و این در حالی است که شهرت شیخ در اروپا به طب و در آسیا به فلسفه است و کمتر به شعر و ادب مشهور است و حال آنکه با اندک تاملی در آثار این مرد بزرگ استادی وی در این فن نیز آشکار می شود.^۳

تالیف و تدوین آثار ادبی ابن سینا هر چند در نوآوری و خلاقیت همپای دیدگاههای علمی - فلسفی او در نیست ولی بی گمان استادی او در نثر و نظم ادبیات به واسطه مقایسه با آثار علمی اوست که کم رنگ جلوه نموده است. از این رو "ابن سینا نه تنها در علوم مردی ذی فنون بود که در هریک چون عالمی ذی فن وارد می شد و بحث و تحقیق می کرد، بلکه مقام ادبی او نیز در فارسی و عربی از دیر باز مورد توجه و دقت بوده است."^۴ موضوع سروده ها و منظومه های ابن سینا در مقاله دیگری به قدر امکان مورد کند و کاو قرار گرفت و در این مقاله تلاش خواهد شد تا بخش دوم ادبیات ابن سینا یعنی نثر ادبی وی مورد مذاقه و تامل قرار گیرد و از این رهگذر نوآوری های ادبی او برشمرده شود.

در میان آثار مثنوی شیخ رئیس آثاری که بتوان آنها را از قبیل آثار ادبی دانست عبارتست از:

الف- "رسائل تمثیلی شامل حی بن یقظان- سلامان و ابسال و رساله الطیر"^۶
 ب- رسائل اخوانی شامل "رساله ای به ابن طاهر احمد بن التطیب، رساله ای به ابن الفضل محمود. رساله ای به علاءالدین کاکویه. رساله ای به ابن زیله، رساله ای به جعفر کاشانی."^۷

پر واضح است که وجه ممیز ادبی بودن نثر عبارتست از تاثیرگذاری آن. به عبارت دیگر تفاوت میان علم و ادب و آثار علمی با آثار ادبی عبارتست از تاثیرگذاری بر مخاطب، صاحب النقد الادبی می گوید: غایه الادب التاثير فی القاری.^۸ از این رو در میان آثار مثنوی شیخ رئیس تنها برخی را می توان مصداق اثر ادبی تلقی نمود. نکته دیگر اینکه ادباء ترسل را به دو دسته ترسل دیوانی و ترسل اخوانی تقسیم کرده اند. وجه ممیز ترسل اخوانی را طول رسائل، صبغه عاطفه و احساس داشتن، دانسته اند. از این رو در اینجا تعدادی از رسائل ابن سینا تحت عنوان ترسل اخوانی معرفی شد.^۹

رسائل تمثیلی شیخ رئیس وقتی در کنار ارجوزه های بلند او مورد مذاقه قرار می گیرد به وضوح این استنتاج به دست می آید که او برای بیان دیدگاههای علمی- فلسفی خود قالب ادبی را برگزیده است. افزون بر اشعار تعلیمی که شیخ رئیس از آنها برای بیان ساده و قریب الطبع دیدگاههای فلسفی- علمی خود برگزیده، در عرصه ترسیم سیر و سلوک عرفانی نیز قالب قصه را برگزیده، با زبان تمثیل، آنچه را در ذهن دارد بر صفحه کاغذ مسطور نموده است و رسائل سه گانه حی بن یقظان، سلامان و ابسال، رساله الطیر شاهدان صادقی هستند بر این ادعا که او کلام ادبی را بواسطه تاثیر گذاری بر خواننده از یکسو و قرابت الطبع از دیگر سو بهترین و مناسبترین راه بیان دانسته ها و محفوظات ذهنی خود دانسته است.

ابن سینا در کتاب اشارات و رساله های صوفیانه خود چون رساله الطیر و رساله حی بن یقظان سعی کرده است که از اشاره، کنایه، استعاره و محسنات بدیعی و غیره استفاده کند (مقصود خود را در لباس هر چه زیباتر بپوشاند و به اهل هنر و بازار اهل فضل عرضه نماید).^{۱۱} تحلیل ابعاد مختلف رساله حی بن یقظان و تامل در ترکیب عناصر ساختار آن می تواند نو آوری ابن سینا را در عرصه نثر ادبی اثبات نماید.

قالب داستانی

غنیمی هلال می گوید: قصه هایی که در ضمن مقوله ادبیات تطبیقی مورد بحث قرار می گیرند عبارتست از الف لیله و لیله، رساله التوابع و الزوابع، رساله الغفران، داستان حی بن یقظان.^{۱۱} احمد حسن زیات قصه و داستان را یکی از فنون زیبای ادبیات می داند که موجب ترویج نفس و تثقیف عقل می شود.^{۱۲} غنیمی هلال در بیان انواع فنون نثر می گوید: "اجناس نثری عبارتست از فقه، تاریخ، حوار و مناظره."^{۱۳}

حی بن یقظان همچون قصه های دیگر ۱- دارای چند شخصیت است که یکی از آنان شخصیت اصلی داستان است. ۲- دارای مقاطع و سوژه هایی است که خواننده را با خود به تعقیب سرنوشت و پایه پای داستان می کشاند. آغاز قصه به گونه ایست که گویی او خاطره ای زنده از خود بیان می کند. آنجا که می گوید: "اصرار شما دوستان مرا به شرح قصه حی بن یقظان متقاعد نمود."^{۱۴} او در قسمت دیگری از داستان این گونه به تعبیری که گویا زبان مقال است می گوید: "یک بار وقتی من به همراه تعدادی از دوستان در تفریحگاه شهر خود بودم پیرمردی را دیدم."^{۱۵} توصیف وی از ویژگیهای ظاهری این پیرمرد، مشتمل بر نگاهی ادیبانه و توصیفی خردمندانه است. پیر آغاز قصه وی زیبا، فره مند و سالخورده است. هر چند روزگاری بر او سپری شده است ولی استخوانش سست نگشته و جسمش ضعیف نشده به گونه ای که از پیری تنها شکوه آن را با خود دارد.^{۱۶}

وی در قسمتی دیگر از داستان نگاهی ادیبانه و بلیغ بکار برده در مقام بیان شدت انفعال از یکسو و بی قراری و نا آرامی از دیگر سو تعبیری به کار می برد که به روشنی

حال آن شخص را به تصویر کشیده. اوصافی را که در پی احصاء آن است جمع نموده می گوید: این که در سمت راست تو نشسته است... چون آتش است در هیزم خشک یا آب بسیار که از بالای بلند فرو می آید و یا اشتری مست و یا شیری بچه مرده!^{۱۷}

اسلوب و سبک داستان حی بن یقظان بی شباهت به سبک مقامات نیست. مقامه که عبارتست از نثری فنی و مسجوع دارای قالب داستانی و صبغه فکاهی، اغلب مشتمل بر مفردات غریب و مترادفات بسیار است و از این رو نقاط اشتراک مقامات و داستانی حی بن یقظان را می توان در قالب و محتوای داستانی، مفردات اغلب غریب، واژگان مترادف و اموری از این قبیل برشمرد. در قسمتی از داستان چنین آمده است:

”من نوافذ حیلک فیهم ان تسلط بهذا الشکس الزعر علی هذا الارعن النهم تزیره زبراً فتکسره وان تدرج غلواء هذا التائه العسر بخلابه هذا الارعن الملق فتحفضه حفصا و اما هذا المموه المتخرص فلا تجح الیه او یوتیک موثقا من الله غلیطا.“^{۱۸}

المقامه القریضیه اثر بدیع الزمان همدانی مقامه ایست که به نقد شعرای جاهلی از زبان قهرمان داستان پرداخته است. در بخشی از این مقامه چنین آمده است: روزی نشسته بودیم و به نقد شعر و شعراء مشغول بودیم، جوانی پیش روی ما نشسته بود که ساکت بود ولی گویی سخن ما را می فهمید. تا آنگاه که سخن ما ادامه یافت و دامن جدال ما گسترده شد...^{۱۹}

در داستان حی بن یقظان نیز شیخی با سخنان حکیمانه خود مخاطب را متحیر می سازد. او می گوید تو و آن که به تو ماند این چنین سیاحت کردن که من کنم نتوانید کردن که شما را از چنین سیاحت کردن باز داشته اند.^{۲۰} و سپس در ادامه می گوید: تا آنگاه که سخن ما ادامه یافت و از او از هر اقلیمی پرسیدم...^{۲۱}

عناصر شاخص قصه حی بن یقظان را می توان به ترتیب زیر مورد بحث و تحلیل قرار

داد:

تخیل

یکی از عناصر تشکیل دهنده ساختار و محتوای داستان حی بن یقظان عبارتست از تخیل و اگر چه در تعریف شعر آن را کلام موزون مقفی و مخیل دانسته اند و تخیل را شرط لازم آن دانسته اند ولی نثر نیز از وجود آن بی بهره نمانده است. غنیمی هلال در بیان تقدم ظهور قصه هایی خیالی می گوید تا قرن دوم میلادی قصه نیز هم چون شعر از عنصر تخیل برخوردار بوده است و به همین خاطر بر ظهور قصه های واقعی مقدم شد.^{۲۲} کارل برو کلمان می گوید: رساله حی بن یقظان داستانی غیر واقعی است که با اسلوبی جاف نوشته شده است که سپس ابن طفیل ماده و اساس آن را گرفته یک داستان فلسفی حقیقتی نوشت.^{۲۳} در قصه های خیالی بواسطه مداخله عنصر خیال، نویسنده از خلق آنچه در پی آنست باز نخواهد ماند زیرا در این گونه قصه ها، سوژه ها و مقاطع داستان در عالم خیال، قابل دسترس می باشد از این رو میزان اثر گذاری بر خواننده در اینگونه قصه ها نیز اغلب بیش از قصه های واقعی است. از جمله قصه های خیالی که دارای ماهیت فلسفی نیز هستند می توان به این موارد اشاره کرد: رساله الغفران ابوالعالمعری (متوفی ۴۴۹ هـ) رساله التوابع و الزوابع ابن شهید اندلسی (متوفی ۴۲۶ هـ) ارداویرافنامه، سفر زردشت به بهشت و جهنم.

تمثیل

استفاده از رمز و اشاره به جای تصریح و تسمیه یکی از عناصر تشکیل دهنده داستان حی بن یقظان است آنچه به روشنی مصداق نو آوری ادبی در نثر ابن سیناست اینکه، "نخستین کسی که رساله ای فلسفی به شیوه رمزی نوشته است ابن سیناست."^{۲۴} تمثیل که یکی از فنون زیبای نثری است مشتمل بر رمز و اشاره است. در تمثیل عرفانی ابن سینا، حی همان عقل فعال است. این عقل هیچگاه پیر نمی شود بلکه

همیشگی و ثابت است. ابن یقظان کنایه از صدور آن از قیومی است که هرگز خواب و خواب آلودگی او را فرا نمی گیرد. این داستان به زبان رمز به خواست انسان و در دست یابی به معارف اشاره دارد. انسان به واسطه این عقل فعال به حقایق علمی و افلاک نه گانه و سپس عله العلل و عقل دهم دست می یابد.^{۲۵}

”جوزجانی با شرح فارسی خود مشکلات فهم اندیشه تمثیلی قصه حی بن یقظان (به زبان ساده و دلنشین گشوده و با این کار رساله ای فراهم آمده است که هم از جهت عرفان و هم از جهت ادبی شایان اهمیت بسیار است).^{۲۶}

عرفان

عرفان عنصر تشکیل دهنده حقیقت قصه حی بن یقظان است. اگر قالب، قصه است و دارای عنصر خیال و تمثیل، ولی بی تردید روح قصه روحی عرفانی است که در پی بیان سلوک عرفانی سالک است. که هنری کرین در تصحیح شرح جوزجانی ”حی بن یقظان را رساله عرفانی ابن سینا“^{۲۷} توصیف می کند.

فلسفه

داستان حی بن یقظان اثر و تالیف شیخ الرئیس ابن سینا فیلسوف بزرگ شرق است و از این منظر باید مشتمل بر صبغه فلسفی باشد، غنیمی هلال می گوید: بن طفیل از ابن سینا اسامی حی بن یقظان و صبغه کلی فلسفی آن را اقتباس نموده است ولی در آن اصالت شرقی حفظ شده است.^{۲۸} هم چنان که بیش از این گفته شده است ابن سینا برای ارائه افکار و اندیشه های خود قالب های ادبی و نظم را برگزیده است، او با استفاده از قالب داستانی قصه حی بن یقظان به ترسیم افکار فلسفی خود پرداخته است.

ابن طفیل که به تقلید از ابن سینا داستانی تحت عنوان حی بن یقظان نوشته است. همچون ابن سینا در پی شرح برخی مسائل فلسفی است او چنین نتیجه می گیرد که دین و فلسفه با هم سازگارند، عقل و وحی دو راه معرفت صحیح هستند البته فلسفه باید از آن

خواص باشد آنچه حی بن یقظان به آن رسیده است سلامان از طریق عقل به آن نرسیده هر چند از طریق دین به آن دست یافته باشد.^{۲۹}

تأثیر حی بن یقظان

افزون بر آنچه پیش از این گفته شد و هر یک به نوعی موید نوآوری ابن سینا در خلق اثری بدیع است، میزان تأثیر این اثر بدیع در خلق آثار مشابه خود شاهدی صادق است بر بدیع بودن آن. ابن طفیل فیلسوف بزرگ اندلسی (متوفی ۵۸۱ هـ). به تقلید از ابن سینا، حی بن یقظان نوشت و در آن با اسلوب داستانی و رمزی صوفیانه به شرح مسائل فلسفی پرداخته است. هر چند برخی این داستان را الهام گرفته از داستان القصه و الملک و ابته^{۳۰} دانسته اند ولی ظن غالب آنست که منبع الهام ابن طفیل، همان شیوه ابن سینا باشد.

علاوه بر ابن طفیل: شیخ شهاب الدین سهروردی (۵۷۸ هـ) نیز با تدوین داستانی به نام حی بن یقظان، از شیوه و سبک ابن سینا الهام گرفته به شرح دیدگاههای فلسفی آن هم در قالب داستان پرداخته است. او می گوید: من وقتی دیدم که حی بن یقظان به رغم مکانات عمیق و تعابیر روحانی آن از پرداختن به مرحله والا خالی است این قصه را نوشتم.^{۳۱}

غنیمی هلال می گوید تحت تأثیر ابن سینا و ابن طفیل، عبدالرحمن جامی داستانی شعری به زبان فارسی تحت عنوان سلامان و اِبسال سروده است.^{۳۲}

بعلاوه این که عبدالرحمن جامی، ابن عزرا و خواجه نصیر الدین طوسی نیز به تقلید از ابن سینا داستان سلامان و اِبسال را نوشتند.^{۳۳}

پی نوشتها :

- ۱- تاریخ الادب العربی ، کارل برو کلمان ، مصر ، الهیئه المصریه العامه ، ص ۱۱.
- ۲- نوابغ الفكر العربی ، احمد فؤاد الالهوانی ، مصر ، دارالمعارف ، ص ۱۹ . چ
- ۳- حجه الحق ابوعلی سینا ، سید صادق گوهرین ، کتابخانه ایران ، ۱۳۳۱ ، ص ۴۳۲.
- ۴- جشن نامه ابن سینا ، ذبیح الله صفا ، تهران ، چاپخانه بانک ملی ، ۱۳۷۱ ، ص ۱۱۱.
- ۵- رجوع کنید به مقاله ”نواوری علمی و تقلید ادبی در سوره های ابن سینا ، علی باقر طاهری نیا ، فرامرز میرزایی .
- ۶- حی بن یقظان ، ابن سینا ، ترجمه و شرح جوزجانی ، تهران ، ۱۳۶۶ ، ص ۵.
- ۷- تاریخ الادب العربی ، کارل برو کلمان ، مصر ، الهیئه المصریه العامه ، ص ۴۱.
- ۸- النقد الادبی ، اصوله و مناهجه ، دارالشروق ، ۱۴۱۰ ، ص ۱۵ .
- ۹- تاریخ الادب العربی ، حنا الفاخوری ، تهران ، توس ، ۱۳۸۰ ، ص ۸۲۱.
- ۱۰- حجه الحق ابوعلی سینا ، سید صادق گوهرین ، کتابخانه ایران ، ۱۳۳۱ ، ص ۵۳۳.
- ۱۱-الادب المقارن ، غنیمی هلال ، ص ۲۱۵.
- ۱۲-تاریخ الادب العربی ، احمد حسن زیات ، بیروت ، دارالثقافه ، ص ۴۱۵.
- ۱۳-الادب المقارن ، ص ۱۹۷.
- ۱۴-ابن سینا و تمثیل عرفانی ، هنری کرین ، تهران ، ۱۳۳۱ ، ص ۲.
- ۱۵-همان ، ص ۳.
- ۱۶-همان ، ص ۱۴ .
- ۱۷-همان ، ص ۲۰.
- ۱۸-همان ،
- ۱۹-المجانی الحدیثه ، بیروت ، دارالشرق ، ج ۴ ، ص ۲۸۹.
- ۲۰-ابن سینا و تمثیل عرفانی ، ص ۹.

- ٢١- همان ، ص ٣٤ .
- ٢٢- الادب المقارن ، ص ٩٧ .
- ٢٣- تاريخ الادب العربى ، كارل برو كلمان ، ص ٢٧ .
- ٢٤- الادب المقارن ص ٢٢٤ .
- ٢٥- همان ، ص ٢٢٥
- ٢٦- حى بن يقظان ، ابن سينا ، ترجمه و شرح جوزجانى ، تهران ، ١٣٦٦ ، ص ٥ .
- ٢٧- همان ، ص ٥ .
- ٢٨- الادب المقارن ، ص ٢٢٩ .
- ٢٩- عشاق الله ، ص ٤
- ٣٠- تاريخ الفكر الاندلسى ، آنجل بالثياء ، ترجمه حسين مونس ، قاهره ، النفاقة الدينيه ، ص ٦٠١
- ٣١- الادب المقارن ، ص ٢٣ .
- ٣٢- همان ، ص ٢٣٢ .
- ٣٣- عشاق الله ، ص ١٢ .

www.ushaaqellah.com

فهرست منابع :

- ۱- ابن سینا و تمثیل عرفانی ، هنری کرین ، ۱۳۳۱.
- ۲- الادب المقارن ، غنیمی هلال ، قاهره ، دارالنهضة المصریه .
- ۳- تاریخ الادب العربی ، احمد حسن الزیات ، بیروت ، دارالثقافه .
- ۴- تاریخ الادب العربی ، حنا الفاخوری ، تهران ، توس ، چاپ دوم ، سال ۱۳۸۰.
- ۵- تاریخ الادب العربی ، کارل برو کلمان ، مصر ، الهیئه المصریه العامه .
- ۶- تاریخ الفكر الاندلسی ، آنجل بالثیاء ، ترجمه حسین مونس ، قاهره ،
- ۷- جشن نامه ابن سینا ، ذبیح الله صفا ، تهران ، چاپخانه بانک ملی ، ۱۳۷۱ .
- ۸- حجه الحق ابوعلی سینا ، سید صادق گوهرین ، کتابخانه ایران ، ۱۳۳۱.
- ۹- حی بن یقظان ، ابن سینا ، ترجمه و شرح جوزجانی ، تهران ، ۱۳۶۶.
- ۱۰-المجانی الحدیثه ، بیروت ، دارالشرق .
- ۱۱-عشاق الله ، ص ۴ www.ushaaqellah.com
- ۱۲-نوآوری علمی و تقلید ادبی در سروده های ابن سینا ، علی باقر طاهر نیا ، فرامرز میرزائی .
- ۱۳-نواغ الفكر العربی ، احمد فواد الالهوانی ، مصر ، دارالمعارف .
- ۱۴-التقد الادبی اصوله و مناهجه ، دار الشروق ، ۱۴۱۰.